

### عواقب سوء مصرف «زولپیدوم»

زولپیدوم یک داروی خواب‌آوری است که برای درمان کوتاه‌مدت بی‌خوابی استفاده می‌شود. استفاده از این دارو در برخی افراد سبب ایجاد تحمل می‌شود. قطع دارو می‌تواند سبب بروز درگیری‌های جسمانی و روانی در افراد مبتلا به دیگر شود؛ به‌ویژه اگر به مدت طولانی و با دوز بیش از حد توصیه‌شده مصرف‌شده باشد. به‌افراد مبتلا به افسردگی توصیه می‌شود در رابطه با مصرف زولپیدوم جوانب احتیاط را رعایت کنند چراکه ایمن‌ دارو می‌تواند دل‌سردی را تعمیق و حتی اندیشه خودکشی ایجاد کند. «متاسفانه برخی افراد خارج از نسخه مبادرت به مصرف قرص می‌کنند. این دارو دارای تئورانس و ایجاد وابستگی زیاد است و اگر بدون تجویز پزشکان باشد، وابستگی و درنهایت افزایش دوز مصرف را به همراه دارد. زولپیدوم از آن دسته داروهایی است که اگر میزان مصرف آن افزایش پیدا کند به گونه‌ای وابستگی ایجاد می‌شود که کاهش دوز آن برای ترک دارو به سختی انجام می‌گیرد.»

### هجوم آنفلوآنزا به پایتخت‌نشینان

آلودگی هوای تهران باعث شده میزان برخی از بیماری‌ها در پایتخت نسبت به قبل افزایش زیادی داشته باشد؛ یکی از این بیماری‌ها آنفلوآنزا است که این روزها در صدر بیماری‌های عفونی پایتخت است. مهراناز رسولی‌نژاد، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در ارتباط با تأثیر آلودگی هوا در بروز بیماری‌های عفونی می‌گوید: «به‌طور کلی هوا در انتقال بیماری‌های ویروسی نقش بسیاری دارد. به‌طور مثال زمانی که فرد مبتلا به ویروس آنفلوآنزا در محیط عطسه یا سرفه کند، هوا عامل انتشار آن محسوب می‌شود؛ به‌طور کلی هوا در انتقال بیماری‌های ویروسی نقش بسیاری دارد.» وی معتقد است: «هوای آلوده بیماری‌زایی را تشدید می‌کند چراکه عفونت‌های تنفسی به‌ویژه ویروسی در این شرایط شدت می‌یابد؛ همچنین در زمان آلودگی هوا میزان اضطراب بیشتر شده و این مساله در بروز بیماری‌های عفونی و تشدید آن نقش زیادی دارد که در صدر بیماری‌های عفونی می‌توان به بیماری آنفلوآنزا اشاره کرد.»

### قدردانی عجیب از مصوبه وزیر!

وزارت آموزش و پرورش، مصوبه‌ای داشت که در آن عنوان شده بود، آزمون از دوره ابتدایی حذف می‌شود و آزمون ورودی مدارس پایه هفتم نیز دیگر برگزار نمی‌شود. پس از انتشار این خبر، مصاحبه‌های متعددی در این وزارتخانه جهت حمایت از این مصوبه منتشر شد اما عجیب‌تر از آن، بیانیه‌هایی بود که معاونان آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه منتشر کردند. در این بیانیه‌ها از اقدام شجاعانه نام برده شده است و حال آنکه این اقدام شجاعانه دقیقاً برای چه کاری است؟ آیا تصویب یک مصوبه در وزارت آموزش و پرورش آن هم توسط وزیری که در رأس این وزارتخانه قرار دارد و شورای عالی آموزش و پرورش که قانونگذار این وزارتخانه است، سخت بوده که نیاز به اقدام شجاعانه داشته است؟ اما نکته عجیب آنکه یکی از مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها در صفحه اول یکی از روزنامه‌های کشور است. این مدل تقدیر از یک مصوبه در وزارت آموزش و پرورش، روال جدیدی است که به نظر می‌آید با آنچه نظام تعلیم و تربیت کشور به آن احتیاج دارد، فاصله دارد.



مهدی نیک‌صفت‌مطلق

روزنامه‌نگار

نوشتن از آنچه در حال حاضر در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه در حال اتفاق افتادن است، بسی سخت و دردآور است. مناطقی که مردمانش بعد از گذشت حدود سه ماه از زلزله همچنان در شرایط بسیار بغرنجی به سر می‌برند. زلزله کرمانشاه مانند تمام حوادث ناراحت‌کننده چند روزی تیرتر اخبار و سوزناک سلبریتی‌ها بود اما امروز ما در مناطق زلزله‌زده شاهد وضعیتی هستیم که نه کسی آن را می‌بیند و نه کسی آن را سوزناک کم‌رسانی‌ها می‌دهد. حتی سلبریتی‌ها هم مشغول جشنواره فجر هستند و احتمالاً اطلاعی از وضعیت فعلی این مناطق ندارند. با گذشت سه ماه ما شاهد جشنواره‌ای از رنج و درد در کرمانشاه هستیم. مشکلات مردم روزبه‌روز در اینجا در حال افزایش است و ابری تیره از مشکلات بر آینده مردمان اینجا سایه افکنده است. برای آنکه بتوان راحت‌تر با مشکلات اینجا روبه‌رو شد، نیاز است که به تفکیک به اهم مشکلاتی که در این مناطق وجود دارد اشاره کنیم:

#### ❏ فقدان سازماندهی مشخص بین نیروهای کمک‌رسان

در حال حاضر در کرمانشاه نهادهای گوناگون در حال کمک‌رسانی به مناطق محروم هستند اما به دلیل تخریب شدید خانه‌ها، هنوز سازماندهی مشخصی در خدمات‌رسانی به مردم وجود ندارد. در برخی مناطق شاهدیم به دلیل آمایش جمعیتی نامنظم، کانکس‌ها به صورت نابرابر توزیع شده‌اند. مثلاً در یک روستای ۵۰ خانواری، تنها ۲۵ خانوار آن صاحب کانکس هستند. این قضیه به خوبی خود باعث شده است که دعوای خانوادگی و قومیتی بالا بگیرد و این خودش در برخی موارد مانع کمک‌رسانی نیروهای کمک‌رسان شده است. یکی از اهالی دیروز نقل می‌کرد که دستشویی و حمام بسیاری که مربوط به چند خانوار بود را یک خانواده به محدوده خانه خودش برده و این قضیه باعث شده زنان و دختران ما با مشکل روبه‌رو شوند. فقدان آمایش سرزمینی و آمایش جمعیتی درست در منطقه بیداد می‌کند و تا موقعی که این اتفاق صورت نگیرد همچنان ما شاهد این مسائل در این مناطق هستیم.

#### ❏ حضور بسیار کم‌رنگ نیروهای دولتی

دولت به مثابه بزرگ‌ترین نیروی اجرایی کشور، همواره موظف است که در شرایط خاص و بحران‌هایی چون زلزله، سیل، توفان و... بیشترین خدمات را به مردم ارائه دهد. در این چند روزی که در مناطق مختلف اینجا مشغول به فعالیت هستیم، هیچ اثری از کمک‌رسانی نیروهای دولتی ندیدیم. فارغ از اینکه دولت در اینجا به وظیفه خود عمل نمی‌کند، مردم این مناطق هم دید بسیار بدی به دولت به عنوان مهم‌ترین نهاد کمک‌رسان پیدا کرده‌اند و حس می‌کنند که حق‌شان خورده شده است. یکی از اهالی روستای نودیه از توابع شهرستان سرپل ذهاب این چنین نقل می‌کرد که: «چطور به اختلاس‌ها

رسیدگی نمی‌شود ولی ما اینجا توی این شرایط داریم زندگی می‌کنیم. با این وجود سیاه، آستان قدس رضوی و همین‌طور گروه‌های مردمی، در حال حاضر بیشترین کمک‌رسانی را انجام می‌دهند. نیروهای سپاهی در چندین قرارگاه همواره در حال بازسازی و خانه‌سازی در روستاها هستند. قرارگاه جاوید الاثر احمد متوسلیمان در روستای کویبیک حضور بسیار پررنگی دارد و شبانه‌روز در حال توزیع کانکس، ساخت حمام و دستشویی‌های سيار و... است.

با این وجود حضور کم‌رنگ نیروهای دولتی باعث شده تا کار نیروهای جهادی هم به مشکل بخورد. به‌طور مثال کندن پی ساختمانی به کمک بیل مکانیکی تنها در یکی دو ساعت انجام می‌شود اما نیروهای جهادی و مردمی در فقدان بیل مکانیکی ناچارند با بیل و کلنگ این عملیات یکی دوساعته را طی چند روز انجام دهند. دادن یک بیل مکانیکی از سوی دولت که کمترین سطح کمک‌رسانی هست، در این مناطق کار نیروهای کمک‌رسان را زیاد کرده و باعث تحلیل رفتن نیروها شده است.

#### ❏ افزایش عارضه‌های روانی

و نبود روانشناس، روانپزشک و مشاور وقتی در یک زلزله، عزیزان‌تان را از دست می‌دهید و کسب‌وکار‌تان از دست می‌رود خانواده‌تان بی‌خانمان می‌شود، طبیعی است که بحران‌های روحی و روانی

### جشنواره مشکلات پس از گذشت سه ماه در کرمانشاه



## عصر یخبندان

به سمت شما هجوم می‌آورند. در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اینجا به وفور بیماری‌هایی پیدا می‌شوند که از شدت فشارهای روانی به خودشان آسیب وارد کرده‌اند. در صورتی که در همان بیمارستان یک روانپزشک وجود ندارد تا با معاینه این سنخ افراد، رنج روحی و روانی‌شان را تسکین بخشد. شدت گرفتن این وضعیت زمانی محسوس می‌شود که گزارش‌های اقدام به خودکشی بالا می‌رود و این به آن معناست که مشکلات روحی و روانی از سوی نهادهای گوناگون جدی گرفته نمی‌شود. نیروهای کمک‌رسان اکثراً مشغول به عملیات‌های عمرانی هستند و بحران‌های روانی و مشکلات ذهنی را تسکین نمی‌دهند.

#### ❏ چادرنشینی مردم شهر سرپل ذهاب

تقریباً در همه پارک‌های شهر، جمعیت زیادی در چادر زندگی می‌کنند. این وضعیت آنها را به شدت در مقابل سرما و باد و توفان آسیب‌پذیر کرده است. از طرف دیگر مشکلات جدی بهداشتی وجود دارد و دستشویی‌های اشتراکی برای مردم چادرنشین شهری، مشکل‌ساز شده است. توصیفات بالا، تنها بخشی از مشکلات موجود در مناطق زلزله‌زده است. مشکلاتی که تحمل هر یک از آنها چیزی شبیه یک کابوس تراژیک و تلخ است. حضور نیروهای کمک‌رسان غیردولتی کمک‌شایانی به حل برخی از این مشکلات کرده است اما این کمک‌ها در بازه‌ای کوتاه‌مدت نمی‌تواند اکثر مشکلات را حل کند چرا که ماجرا پیچیده‌تر و دردآورتر از آنچه است که بنشود خیلی از آنها را در کوتاه‌مدت حل کرد.

مشاوره و کار فرهنگی هستند منتهی اقلیتی‌اند که جوابگوی این نیازها نیستند.

#### ❏ افزایش بیکاری و عدم درآمد کافی

در روستاها درآمد اکثر اهالی مبتنی بر دادراری و کشاورزی بود. در ماجرای زلزله، طولیه‌ها از بین رفته است و دام‌ها اکثراً از بین رفته‌اند. گاوهایی هم که زنده ماندند بر اثر نبود طولیه با تلف شده‌اند یا در حال تلف شدن هستند. از طرفی به دلیل باران نیامدن، کشاورزی خوابیده است و مردم روستاها که اکثراً به کشاورزی مشغول بودند، عملاً درآمدی

### گله‌مندی عمومی از تحمل‌گرایی

در بین تمام رخداد‌های اجتماعی که منجر به نارضایتی‌های عمومی و گله‌مندی شهروندان جامعه می‌شود و بستر بسیاری از رخداد‌های اجتماعی مانند بی‌قانونی است، تحمل یا رزه ثروت توسط عده‌ای در مقابل دیدگان عموم مردم و طبقات ضعیف، سهم بسزایی دارد. ثروت تحت



محمد رضا امیری

فعال اجتماعی

هر عنوان و در هر دوره از تاریخ و به‌عنوان عامل محرک سازنده و نیاز اولیه پیشبرد جامعه برای رفاه عمومی مقوله‌ای کاملاً متفاوت از تحمل است اما ذات تحمل‌گرایی هم که مولود بدون شک تمرکز ثروت است، چندان تأثیری در رویداد‌های عمومی نسبت به جامعه نداشته است. کسی نمی‌تواند انکار کند که ثروتمندان بخشی از جامعه ایران در دهه ۶۰ نبوده‌اند یا ثروتمندان و تاجران و صاحبان زمین‌ها به یک‌باره از آغاز مدرنیته متولد شده و از همان ابتدا با انتقاد شدید مخالفان‌شان مواجه شده‌اند. بحث امروز ما علل پیدایش ثروت و تحمل نیست، بلکه نحوه رخ‌نمایی تأثیرات و پیامدهای آن در جامعه امروز ایران است. اما موضوع اصلی نحوه مشارکت فرد در جامعه است، افراد براساس نوعی دوگانگی در جامعه به هستی خود پی می‌برند و در مفهوم کلان جامعه را ایجاد می‌کنند. البته در اینجا از این پیش‌فرض پیروی کردیم که اجتماع همان جامعه است و تفاوت‌های آشکاری بین آنها نیست. اگر سطح دید خود را به فرد تقلیل دهیم، ابتدا باید بگوییم که چگونه انسان به بازیگری خود در جامعه پی می‌برد یا اینکه چه مرحله‌ای طی می‌شود تا انسان در بستر جامعه خود را به‌عنوان بازیگر به رسمیت بشناسد. انسان حداقل انسان امروزی و در دید کلی تر اکثریت انسان‌های امروز در خانواده متولد شده و شروع ادراک از خود به بودن موجودی جدا از موجودات دیگر با منیت مستقل را در یک تشابه و دگرگونی طول زمان در بستر خانواده درک می‌کنند.

در واقع خود انسان ابتدا در تعامل با دیگران و سنجش بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها با دیگر اطرافیان ادراک می‌شود. تعاملات با این اجتماع انسانی بر پایه قانون باید‌ها و نباید‌ها، هنجارها و به مرور زمان ارزش‌ها شکل می‌گیرد و این تعاملات در بستر نیازهای طرفین ایجاد می‌شود، که ریشه در غریز و خواسته‌های میلی هر یک از کنشگران درون خانواده دارد. این نیازها می‌توانند شکل انتزاعی و عاطفی یا مادی داشته باشند که در تعامل بین افراد ارضا شده و اوضاع را به صورت تعادل حفظ می‌کنند. اما چند پرسش و بست آن برای رسیدن به سطح جامعه لازم است: مجموع هنجارها و ارزش‌های خانواده به‌عنوان اجتماعی کوچک از کجا تأمین می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید از درون خانواده به‌عنوان اجتماع خارج شویم و نظر به جریان کلی تر جامعه بیندازیم. در واقع خانواده آمیزه‌ای انتخابی از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را براساس سیر تاریخی به صورت زنجیره‌وار وارد خود می‌کند. پس آموزش‌های اولیه قبل از شروع مراحل اصلی جامعه‌پذیری افراد و تعامل‌تنه به تنه با پدیده‌های اجتماعی، متأثر از مجموع آموزش‌های قبلی است و فرد خود را ابتدا در خانواده درک و فهم می‌کند. پس قابل مشاهده است که آموزه‌های درون خانوادگی متأثر از جامعه‌ای است که بستر زیست آن خانواده است و تماماً تحت تأثیر آن نیست و همان‌طور که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، طی یک زمان تاریخی و دوره‌های تاریخی تغییر و تحول داشته‌اند، بسته‌ای از آموزه‌های درون خانوادگی هم در یک تطور تاریخی شکل‌دهی شده‌اند که خارج از افراد یا اشخاص یا دیدگاه‌های

بهرت است ساده‌تر بگوییم که فرهنگ اجتماعی طبقاتی تا قبل از جریان انفجار اطلاعات در قرن ۲۱ موجود بوده که مانند حساب بانکی و اندوخته‌ارزی بین طبقات تفاوت ایجاد می‌کرده است. در ایران از گذشته تا به امروز این تفاوت‌های فرهنگی در بین طبقات از گویش تا نوع آموزش تربیت حتی برخورد‌های اجتماعی بین افراد وجود داشته است؛ یعنی می‌توان این گونه دید که در ساخت اجتماعی امروز متأثر از جریان تاریخی، یک جریان فرهنگی طبقاتی وجود دارد که بین هر طبقه اجتماعی براساس سطح درآمد و مرتبه اجتماعی که فرد در آن زیست می‌کند و نوع بنیان‌های فرهنگی بومی منطقه و هنجارهای خانوادگی متفاوت است. گرچه این فرهنگ به شرایط وابسته بوده اما رخداد‌های اجتماعی و بزرگ‌راه‌های تاریخی تأثیر شدیدی در شکل‌گیری، افزودن یا کم شدن از طبقات دارد. جامعه ایران هم از این تلامط‌های شدید سیاسی و اقتصادی در سده اخیر جدا نبوده و طبقات بالای اجتماعی آن براساس درآمد و مناصب حاکمیتی تغییرات عظیمی را به خود دیده‌اند و این سطوح فرهنگی بارها طی سده گذشته در سطح خانواده‌های پدیدار در آن تغییر ساختار داده است.

